

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۶۶۲
جمعه ۷ خرداد ۱۳۹۵، ۲۷ مه ۲۰۱۶

یادداشت‌های هفته

همید تقوایی

- * کارگران و قصاص!
- * پرونده دزدی‌ها کی‌علنی میشود؟
- * تهران: بدترین و بهترین!

صفحه ۶

کارگران حکومت شلاق را به زیر خواهند

کشید!

اطلاعیه حزب کمونیست کارگری ایران

صفحه ۵

کارگران در هفته ای که گذشت

شهلا دانشفر

صفحه ۸

فراخوان به تظاهرات در حمایت از

کارگران و زندانیان سیاسی در ایران

اطلاعیه حزب کمونیست کارگری ایران

صفحه ۹

فراخوان اعتراض به حضور وزیر خارجه

جمهوری اسلامی در کشورهای اروپایی

اطلاعیه حزب کمونیست کارگری ایران

صفحه ۱۰

این فقط بخش نیست، نشان دادن راه است!

کمیته بین‌المللی علیه اعدام

صفحه ۱۰

توفان مدلینگ

کیوان جاوید

صفحه ۱۰

پاسخ جعفر عظیم زاده به درخواست سازمانهای سندیکایی فرانسه

به سازمانهای سندیکایی فرانسه س ا ف د ، ث ژ ت ا ف ،
اس او ، همبستگی سود سولیدر ، او ان اس ا

صفحه ۲



نامه بهنام ابراهیم زاده به دبیرکل سازمان جهانی کار، آی ال او

به دبیر کل سازمان جهانی کار آقای گای رایبر
به اتحادیه های کارگری در سراسر جهان

صفحه ۲



مقابله با جنبش اسلامی در آلمان پاسخ انسانی میخواهد

گفتگوی انترناسیونال با مینا احدی

در آلمان، رهبر حزب "آلترناتیو برای آلمان" از مینا احدی دعوت کرد تا باهم ملاقات کنند، احدی طی یک نامه سرگشاده اعلام کرد که به این دعوت پاسخ منفی میدهد. این نامه در سایت هومانیتسهای آلمان تا کنون بیش از ۲۰۰ هزار بار خوانده شده و ۱۳۲۰۰ بار بازپخش شده است. استقبال از این نامه و مباحث مفصل در مورد مضمون این نامه در میبای اجتماعی در آلمان، موضوع گفتگوی ما با مینا احدی است. انترناسیونال: در ابتدا برای خوانندگان بگویید حزب آلترناتیو برای آلمان کلام حزب است و چرا رهبر این حزب از شما برای ملاقات دعوت کرد؟

مینا احدی: حزب آلترناتیو برای آلمان در سال ۲۰۱۳ در برلین تأسیس شد. در ابتدا این حزب موضع منتقد اروپای واحد داشت و سپس یک چهره رادیکال ضد اسلام و سازمانهای اسلامی و اخیراً با موج پناهندگی، چهره مخالف پناهنده و ضد خارجی آشکارتری بخود گرفته و تبلیغات اصلی این حزب در مورد بقول خودشان بحران پناهندگی است. این حزب در آلمان از سال ۲۰۱۳ با رشد فراوان و عضوگیری گسترده توانسته وارد پارلمانهای ایالتی شده و اکنون در نصف پارلمانهای ایالتی نماینده دارد. حزب آلترناتیو برای آلمان اخیراً در یک کنگره، برنامه حزبی خود را تصویب کرد، که ملغمه ای از دفاع از مذهب مسیحیت، علاقه به بازگشت به فرهنگ و اخلاقیات قدیمی تر در مورد اهمیت خانواده و نقش زنان در محیط گرم خانواده، مخالفت با ازدواج همجنسگرایان و مخالفت با اتحادیه اروپا و .. است. تا آنجا که به اسلام و جنبش اسلامی بر میگردد، این حزب در برنامه خود اعلام کرد که اسلام به آلمان تعلق ندارد و خواهان ممنوعیت حجاب در محیط های کاری و خواهان مقابله با مسجد ساختن و مناره سازی و اذان خواندن و ... است. این حزب را در رسانه های آلمانی حزب دست راستی و پوپولیستی می نامند و گفته میشود این حزب در قسمت راست حزب سوسیال مسیحی یعنی حزب آنجلا مرکل ایستاده است.

صفحه ۳

دور جدیدی از مبارزات کارگران و مردم فرانسه علیه ریاضت اقتصادی

صفحه ۴

پیام آذر

النهضه تونس اسلام سیاسی را کنار گذاشت

صفحه ۵

کاظم نیکخواه

پیامدهای سیاسی و نظامی کشته شدن رهبر طالبان

صفحه ۷

سیامک بهاری

راه حل های عملی مبارزه علیه بیکاری

صفحه ۹

نسان نودینیان

نامه بهنام ابراهیم زاده به دبیرکل سازمان جهانی کار، آی ال او

پاسخ جعفر عظیم زاده به درخواست سازمانهای سندیکایی فرانسه

شما نیست که ایران هم در آن عضو است.

ما بارها گفته ایم هیات ایران نماینده ما کارگران و ما مردم نیست. ایران ناقض حقوق پایه ای ما کارگران و ما مردم از جمله حق تشکل، حق اعتصاب، حق تجمع و حق دفاع از زندگی و معیشتمان و داشتن یک زندگی درخشان انسان است. اعتراض من و اعتراض ما کارگران در ایران به حضور این هیات در اجلاس سازمان جهانی کار است و با نوشتن این نامه می‌خواهم صدای اعتراض را به اجلاسی که در پیش است برسانم.

در عین حال من از همه سازمانهای کارگری می‌خواهم که از ما کارگران زندانی و از کارزاری که در دفاع از حق تشکل و حقوق برحق ما کارگران و ما معلمان از سوی جعفر عظیم زاده و اسماعیل عبدی به راه افتاده است، دفاع کنند. از جعفر عظیم زاده که در وضعیت نگران کننده ای بسر میبرد حمایت کنند.

من اعلام می‌کنم که به لیست امضاهای کارزاری که در حمایت از جعفر عظیم زاده و خواستهایش به راه افتاده می‌پیوندم و از همه سازمانهای کارگری، نهادهای مدافع حقوق بشر و همگان هم انتظار دارم به این کارزار پیوندید و همراه ما کارگران به حضور هیات ایران در اجلاس سازمان جهانی کار اعتراض کنید.

بهنام ابراهیم زاده از زندان رجایی شهر
مه ۲۰۱۶
برگرفته از صفحه فیس بوکی پایگاه خبری بهنام ابراهیم زاده

من بهنام ابراهیم زاده از فعالین کارگری در زندانی رجایی شهر، این نامه را برای شما مینویسم. به جرم دفاع از حقوق کارگران، دفاع از حقوق کودکان و دفاع از حرمت انسانها، تحت عنوان "اقدام علیه امنیت ملی کشور" حکم زندان گرفته و ۶ سال از بهترین سالهای زندگی‌ام را در بازداشت بسر برده ام و همراه با من فرزندم و همسر نیز زیر فشار و آزاد بوده اند و همسر با تحمل شایسته همه مشقات همراه راهم بوده است. من بخاطر اینکه کوتاه نیامده و بر حقانیت مبارزاتم پای فشرده ام و همواره سعی کرده ام صدای اعتراض مردم باشم، در پرونده جدیدی به هفت سال و ده ماه حبس دیگر محکوم شده ام.

مطمئن هستم که شما از سرنوشت من و کسانی چون من و احکام زندانی که به ما داده شده و آنچه بر ما کارگران می‌گذرد خبردارید.

مطمئن هستم که شما از جریان مرگ ناگوار و مشکوک کارگر زندانی شاهرخ زمانی در زندان رجایی شهر با خبرید.

مطمئن هستم که شما از وضعیت نگران کننده جعفر عظیم زاده که از روز ۲۹ آپریل تا کنون در اعتصاب غذا بسر میبرد، با خبرید. جعفر عظیم زاده و اسماعیل عبدی در بیانیه ای مشترک خواستشان لغو تمامی پرونده های فعالین کارگری و معلمان معترض و ... با اتهاماتی چون "اخلال در نظم امنیت ملی" است. چرا شما سکوت کرده اید. آیا تمامی اینها نقض آشکار مقوله نامه های سازمان

من در این چهار چوب است. من و دوست و هم بندی عزیزم اسماعیل عبدی در اعتراض به ممنوعیت ایجاد تشکلهای مستقل صنفی کارگران و معلمان، ممنوعیت برگزاری مستقلانه و آزادانه مراسم روز جهانی کارگر و معلم، تحمیل دستمزدهای زیر خط فقر، عدم شفافیت و عمل موثر سازمان جهانی کار LO در قبال نقض فاحش حقوق بنیادین کارگران و معلمان ایران و با خواست پایان دادن به امنیتی کردن اعتراضات صنفی کارگران و معلمان و برداشته شدن اتهامات امنیتی از پرونده های مفتوح کارگران و معلمان معترض و پرونده های فعالین صنفی زندانی منجمله خودمان از روز دهم اردیبهشت ماه دست به اعتصاب غذا زدیم.

من نامه همبستگی شما را بسیار ارج می گذارم، دست همه ی شما را صمیمانه می فشارم و در حالی که بیست و پنجمین روز اعتصاب غذایم را پشت سر میگذارم همبستگی خود را با مبارزات کارگران فرانسه در مقابله با اعمال تغییرات ضد کارگری در قانون کار اعلام میدارم و با تاکید بر گسترش و تعمیق همبستگی بین المللی طبقه کارگر، از شما انتظار دارم در اجلاس پیش روی سازمان جهانی کار LO اصدای اعتراض ما کارگران ایران باشید.

با همبستگی کارگری جعفر عظیم زاده - بند ۸ زندان اوین - سوم خرداد ماه ۱۳۹۵
برگرفته از سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران

با همبستگی کارگری جعفر عظیم زاده - بند ۸ زندان اوین - سوم خرداد ماه ۱۳۹۵
برگرفته از سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران

کشور مبنی بر غارت یک میلیارد دلاری از صندوق سازمان تامین اجتماعی (متعلق به کارگران) به عنوان نماینده آنها دست به شکایت میزنیم با اتهامات سنگین امنیتی مواجه و به شش سال زندان محکوم میشویم و وقتی کارگرانی با هدف دریافت ماهها حقوق عقب افتاده و مسائلی از این دست، اقدام به اعتراضی کوچک آنهم نه در خیابان بلکه در محیط کارشان میکنند توسط دادگاهها احضار، تهدید، و با اتهامات امنیتی مورد بازداشت و محکومیت قرار میگیرند.

و حتما میدانید که تجمع، اعتصاب، راهپیمایی و ایجاد تشکلهای صنفی به عنوان حقوق بنیادین کارگران و معلمان در ایران به خشن ترین و گسترده ترین شکلی پایمال و نماینده ها و فعالین آنها به زندانهای طویل المدت از ۵ تا ۱۴ سال محکوم میشوند و آیا میدانید

طبقه ی کارگر فرانسه از همان اوان پیدایش خود تا کمون پاریس و تا به همین امروز مبارزه ای سخت، طاقت فرسا و پر فراز و نشیب را برای رسیدن به حداقلهایی از حقوق انسانی طی و هزینه های بسیار سنگینی را در این راه متحمل شده است و هیچگاه بدلیل وجود این هزینه ها از حرکت و مبارزه باز نیاستاده است. برای ما نیز در ایران به عنوان یک طبقه جوان و عظیم اجتماعی، وضعیت به همین منوال است و خواهد بود و ما ناچاریم برای دست یابی به مطالبات انسانی مان با تحمل هزینه های سنگین مبارزه ی خود را به پیش بریم. اعتصاب غذای

با گرمترین درود های رفیقانه نامه همبستگی و مالا مال از احساس مسئولیت انسانی و طبقاتی شما را در حالی که اخبار هشتمین روز مبارزه ی سخت و حیاتی کارگران فرانسه را در مقابله با اعمال تغییرات ضدکارگری در قانون کار دنبال می‌کردم دریافت نمودم.

دوستان و یاران آیا میدانید که ما کارگران ایران بدلیل محرومیت از بدیهی ترین و ابتدایی ترین حقوق صنفی و اجتماعی خود و سرکوب شدید، حتی یک بار و برای دقایقی نیز نمیتوانیم همچون شما دست به اعتراضات و اعتصابات سراسری و خیابانی بزنیم؟ و آیا میدانید که تغییرات ضد کارگری که هم اکنون دولت فرانسه در صدد اعمال آنها در قانون کار است از ۲۷ سال پیش در قانون کار ایران اعمال شده است و بر این بستر هم اکنون قریب به صد در صد کارگران ایران با قراردادهای موقت سه ماهه، یکماهه و سفید امضا با مزد روزانه ی معادل ۸۰۰ گرم گوشت و کمتر از آن مجبور به کار هستند و تحت چنین شرایط برده واری برای بقا خود ناچار به کار روزانه ی تا ۱۸ ساعت میباشند و کار روزانه ۱۲ ساعته به روال معمول ساعت کار در ایران تبدیل شده است؟

حتما میدانید که در ایران افرادی چون من و یارانم وقتی با مسالمت آمیزترین شکلی همچون جمع آوری چهل هزار امضا به شرایط فوق اعتراض میکنیم و خواهان افزایش مزد میشویم و وقتی بر اساس اسناد مجلس ملی

زندانی سیاسی آزاد باید گردد

مقابله با جنبش اسلامی در آلمان پاسخ انسانی می‌خواهد

گفتگوی انترناسیونال با مینا احدی



هفته گذشته از دفتر رهبر این حزب «فرانوکه پتری» نامه ای برای من ارسال شد. طی این نامه خواسته بودند من با پتری در پارلمان ملاقاتی داشته باشم. چرا از من دعوت میکنند؟ در آلمان فعالیتهای من و موضع من در مورد اسلام و همه مذاهب و در مورد حجاب و جنبش اسلامی برای همه روشن است، من منتقد جنبش اسلامی در آلمان هستم. در مورد اسلام معتقدم که اسلام به انسان و انسانیت تعلق ندارد. اسلام به اسلامیتها و دولتهای حامی آنها تعلق دارد و نه به مردم. من معتقدم که کلیه مذاهب باید دستشان را از دولت و آموزش و پرورش کوتاه کنند و ... پتری و حزبی که در آلمان مورد اعتراض و نقد و فشار زیادی از سوی احزاب رسمی و رسانه ها هستند، میخواهند با عکس گرفتن با من و ما، به جامعه اینرا تلقین کنند که گویا ما هم موضع هستیم و از این بابت برای حزشان پوئن مثبت بگیرند.

انترناسیونال: چرا این دعوت را رد کردید، آیا نمیشد بروید و در آنجا تفاوتهای خود را بگویند؟

مینا احدی: تفاوتها را میتوان در یک جلسه علنی و یا در یک دبات تلویزیونی و ... گفت. در این مورد رهبر یک حزب دست راستی که اسمش بعضا مو بر تن خارجیها راست میکند و در جلساتشان کله تراشیده ها داد و بیداد میکنند و یا در میتینگ هایش در اواسط ماه مه ۲۰۱۶ سلام هیتلری داده شد و یا یکی از رهبرانش گفته که در صورت ضرورت میتوان به پناهنده ها در مرزها شلیک کرد، از من دعوت میکنند که بروم او را ببینم، طبعاً جواب مثبت و شرکت در این جلسه مشترک، میتوانست به غلط تصویر موافقت من با سیاستهای این حزب را بدهد.

من در آنجا نمیتوانستم تفاوتها را بگویم، هدف آنها این بود که نشان دهند که گویا منتقدین سرسخت اسلام و اسلام سیاسی هم در کنار آنها هستند.

انترناسیونال: شما در نامه خود که علنی هم پخش شد، چه نوشتید و این پاسخ منفی را چگونه توضیح دادید؟

مینا احدی: آنجا نوشتم چرا به آلمان آمده ام، نوشتم که از ۳۷ سال قبل یک جنبش وحشی و ضد انسانی در ایران، قدرت سیاسی را گرفت و این جنبش در افغانستان و عراق و سوریه و ... زندگی را بر میلیونها نفر مردم به جهنم تبدیل کرده است. من از اعدام فرار کردم و از جنگ و سرکوب و زندان و اکنون میلیونها نفر پناهنده دقیقاً در موقعیت من هستند و فرار میکنند. خطاب به حزب آلترناتیو نوشتم که از ۱۲۵ میلیون پناهنده تعدادی به آلمان میرسند و حزب شما با سنگدلی تمام حتی از امکان تیر اندازی به این پناهندگان حرف میزند، خجالت نمیکشید. نوشتم که حزب آلترناتیو برای آلمان درست مثل سازمانهای اسلامی، حق فردی افراد را نمی بیند، فرد و انسان را نمی بینند و دسته جمعی مسلمانان را محکوم میکنند و میگویند با آمدن مسلمانها به آلمان ما دچار مشکل خواهیم شد.

نوشتم که من هم مخالف سیاست احزاب چپ و احزاب رسمی در آلمان هستم که با جنبش اسلامی و سازمانهای اسلامی همکاری میکنند و همه مردم را در یک کیسه ریخته و تحویل سازمانهای اسلامی میدهند و معضل حجاب و حجاب کودکان، رشد مساجد و دست اندازی اینها به زندگی مردم و شریعه و جدا سازی زن و مرد و ... را دست کم گرفته و بی ضرر جلوه میدهند، و در عین حال مخالف سازمانهای دست

که میگویند باید همین پاسخ واقعی و درست را داد، فضا سازی علیه پناهندگان و خارجیها مضموم است و باید بر فرهنگ خوشامد گفتن به پناهنده تأیید کرد و همچنین در مورد مشکلات حرف زد و هم پاسخ انسانی به این مشکلات داد. در سایت هومانیتسها این نامه بیش از ۲۰۰ هزار بار خوانده شده و این موج ادامه دارد و در بسیاری از رسانه ها نیز پخش شده و میلیونها نفر در آلمان و اطریش و سویس این نامه را دیدند. البته اینرا اضافه کنم که این نامه من اکنون با نامه سرگشاده دیگری که چند ماه قبل خطاب به سارا واگنکنخت از رهبران حزب چپ آلمان نوشته ام بازپخش میشود. در حقیقت من با این دو نامه تفاوت خودم با چپ ضد امپریالیست و پرو اسلامی و راست ضد خارجی و راسیست را معلوم کرده ام و تعدادی اکنون این دو نامه را با هم باز پخش کرده اند.

انترناسیونال: در پایان میخواهیم بدانیم ربط این نوع مسائل و فعالیتهای با مشکلات مردم و جوانان در ایران چیست، آیا شما اصولاً ربطی می بینید؟

مینا احدی: این نامه در دفاع از حقوق مدنی و فردی در آلمان، در دفاع از نقد به سیستم سرمایه داری و نشان دادن راه حل های انسانی و نه انسان ستیزانه است. این نامه می‌خواهد از حقوق میلیونها نفر شهروند آلمانی دفاع کند که از کشورهای مختلف و یا کشورهای اسلام زده آمده و ساکن این جامعه هستند، فضا سازی علیه این میلیونها نفر و مسموم کردن فضا علیه همه کسانی که ظاهرشان شبیه آلمانیها نیست، بشدت غیر انسانی و خطرناک است. این نامه در عین حال تأکید میکند که مشکلات را باید دید و راه حل نشان داد. تا جایی که به نقد اسلام و جنبش اسلامی بر میگردد، این حزب ابتدا در مورد ۳۷ سال جنبش اسلامی در ایران و افغانستان و غیره حرف نمیزند در مورد علل روی کار آمدن حکومتهای اسلامی و نقش مخرب این جنبش علیه میلیونها نفر مردم در ایران و عراق حرفی نمیزند، و جایی که از نفوذ و نقش مخرب این جنبش در اروپا

راستی و راسیست هستم که با انگشت گذاشتن روی این مصایب، علیه قربانیان جنگ و ترور و نا امنی فضا سازی کرده و فضا را علیه پناهندگان و خارجیها مسموم میکنند. در پایان گفتم نقد به اسلام و جنبش اسلامی بسیار حیاتی است، و تأکید کردم این نقد در عمل در ایران از سوی جوانان و مردمی انجام میشود که در بدترین شرایط فرهنگی و اخلاقیات و سیاست این حکومت را به چالش گرفته اند، از این مبارزات مردم در کشورهای ایران و عراق و افغانستان و ... باید دفاع کرد. اما حزب آلترناتیو برای آلمان، خود جزئی از صورت مسئله است و نه پاسخ و یکبار دیگر از سازمانهای مترقی و آنتیست و پیشرو دعوت کردم که در این مبارزه با ما همراه شوند.

انترناسیونال: در مورد انعکاس این نامه بگویند؟

مینا احدی: هنوز دفتر پتری و حزب آلترناتیو برای آلمان به این نامه عکس العمل رسمی نشان نداده اند. فقط روز ۲۴ ماه مه یکی از مقامات این حزب در مصاحبه با روزنامه فرانکفورتر آلتگماینه، گفت حزب ما دو هفته قبل یک پیشنهاد به سازمان اکس مسلم داد که آنها را ملاقات کند متأسفانه این دعوت از سوی آنها پاسخ منفی گرفت و ما باید بدنبال کسان دیگری باشیم که با آنها همکاری کنیم.

در سطح ملیای اجتماعی و رسانه های آلمانی این نامه مورد استقبال فراوانی بوده است. طبعاً سوالاتی از قبیل اینکه آیا بهتر نیست بحث کنید و تفاوتها را بگویند و یا اینکه شما زیادی به این حزب دست راستی بودن و ... را می چسبانید، یا اینکه اینها اینطور هم نیستند مطرح میشود. اما بیشترین استدلالها از طرف دیگر است

حرف میزند، راه حلی که نشان میدهد، این نیست که همه مذاهب باید دستشان را از حکومت و آموزش و پرورش کوتاه کنند و جامعه آلمان باید سکولارتر شده و دست سازمانهای اسلامی را از دخالت در امور پناهندگی و اتکراسیون کوتاه کند. اینرا نمیگویند، از مسیحیت دفاع میکنند و طبعاً نمیتواند در این زمینه نیز راه حل درستی نشان بدهد. رابطه این فعالیتهای با ایران بسیار مستقیم تر از اینها است. من در نامه ام به جنبش سکولاریستی مردم ایران اشاره کرده و گفته ام از این مبارزات باید دفاع کرد.

مقابله با اسلام سیاسی و افشاگری و دامن زدن به جنبش علیه این هیولا مستقیماً به مردم ایران ربط دارد، نه فقط به این دلیل که در ایران جنبش اسلامی و اسلام سیاسی سالها است که در قدرت است، و زدن پوزه این جنبش در همه جا به نفع مردم در ایران هم هست، بلکه به این دلیل هم که دولتهای غربی و از جمله آلمان، کمک بزرگی برای حکومتهای اسلامی هستند، و باید در غرب هم پرچم دفاع از حقوق انسانی مردم را در دست داشت و کمک کرد تا این پشتوانه و دفاع از حکومت اسلامی ضعیف و ضعیف تر شود. ما باید به مردم دنیا نشان دهیم که در ایران مردم ایران قهرمانانه علیه سردمدار جنبش اسلامی مبارزه میکنند و این مبارزات باید مورد حمایت و پشتیبانی مردم اروپا قرار گرفته و به دولتهایشان فشار بیآورند از حکومتهای اسلامی دفاع نکنند. این مبارزه در اروپا مهم است چرا که ما در مقابل قدرت گرفتن جریان دست راستی می ایستیم که قدرت گرفتن آنها زندگی را در اروپا بر ما و فرزندان ما سخت خواهند کرد. بی دلیل نیست که نامه من در بین نسل دوم و نسل سومیهها در آلمان بسیار مورد استقبال قرار گرفته چرا که فرزندان ما که در این کشورها متولد شده و بعضاً حتی ایران را ندیده اند، بدلیل اینکه قیافه خارجی دارند، از مسموم شدن فضا در آلمان نگران هستند.

دور جدیدی از مبارزات کارگران و مردم فرانسه علیه ریاضت اقتصادی

پیام آذر



برق را تامین میکند نیست ولی این اتفاق خواهد افتاد." بعد از اعلام اعتصاب سندیکاهای پالایشگاهی و راه آهن سراسری، تمامی سندیکاهای هوایمانی کشوری روز ۳ تا ۵ ژوئن را برای یک اعتصاب سراسری اعلام کرده اند. آنها اعلام کرده اند که دست از کار میکشند تا دولت از این طرح عقب نشینی کند. اولین سندیکای شرکت راه آهن اعلام کرده است از تاریخ ۳۱ مه به مدت تا محدود هر روز از ساعت ۱۹ شب دست به اعتصاب میزند.

چهارشنبه ۲۵ مه در پی اعلام موضع نخست وزیر در مورد اینکه دولت مصمم است قانون کار را به تصویب برساند و اینکه گفت اجازه نمیدهیم که عده ای بیایند و مردم فرانسه و اقتصاد فرانسه را به گروگان بگیرند، رئیس سندیکای س ژ ت اعلام کرد که ما قصد نداشتیم تا این مرحله جلو برویم ولی دولت اصرار دارد که ادامه بدهد و درهای مذاکره را هم بسته است، بنابراین ما هم ادامه میدهیم تا آنها را به عقب برانیم. به همین دلیل اگر لازم باشد تا اعتصابات عمومی هم پیش میرویم.

در این میان بحث هائی در میان رهبری حزب سوسیالیست، حزب بورژوازی حاکم که اسم سوسیالیسم را یدک میکشد، بالا گرفته است و بخش زیادی از اعضا و کادربهای حزب خواهان آنند که هولاند و دولتش طرح الخمری را پس بگیرند. ولی رئیس جمهور اصرار دارد که ادامه دهد و حتی در مقابل اکثریت مخالفین در مجلس میگوید اگر لازم بدانم از قانون ۴۹/۳ استفاده میکنم. قانون ۴۹/۳ به رئیس جمهور اختیار میدهد که در صورت لازم بتواند مجلس را منحل کند و تا ۲۰ روز بعد انتخابات جدیدی برای انتخابات مجلس جدید تدارک ببیند.

اما مجلس میگوید در شرایطی که کشور در حالت جنگی است و موقعیت اورژانس هست رئیس جمهور نمیتواند این کار را بکند، ضمن اینکه ما میتوانیم از قانون آمیسون سانسور استفاده کنیم. یعنی میتوانیم خواسته رئیس جمهور را سانسور کنیم و رای عدم اعتماد به دولت بدهیم. روز ۲۵ مه ساعت ۵ صبح نیروهای پلیس و ژاندارمری به یکی از مخازن ذخیره بنزین در شمال غربی فرانسه le dépôt de carburants de Douchy-les-Mines حمله کرده و صف اعتصابیون را شکسته و انبار را اشغال کردند. یکی از کارگران اعتصابی در مصاحبه ای گفت اگر چه ما در اینجا شکست خوردیم ولی قصدمان از کار انداختن مخزن ذخیره بنزین نبود

بلکه میخواستیم حرفمان را بنزیم که میزنیم. ما هدفمان مقابله برای لغو قانون کار است و مبارزه مان را ادامه خواهیم داد. روز ۲۵ مه همچنین در پی نشستی ۱۹ مرکز انرژئی اتمی اعلام کرده اند که به اعتصاب میوندند. در مجلس هم بحثها بالا گرفته است و مانوئل والس میگوید "سندیکای س ژ ت قانون گذار نیست و قانون اعتصاب محترم است ولی رادیکالیزه کردن این اعتصابات معنی ندارد و ضررش به خود آنها میرسد."

همچنین طی آمارى که از مردم گرفته اند ۷۰ درصد مردم میگویند بهتر است دولت طرح قانون کار را پس بگیرد تا اینکه کشور به اینگونه بلوکه شود. طبق یک نظرسنجی دیگر هم در پاسخ به این سوال که مسئول این بن بست کیست، ۵۹ درصد مردم میگویند هولاند و نخست وزیرش و ۴۱ درصد می گویند سندیکاها.

در حقیقت باید گفت تا همینجا هم دولت به بن بست اساسی رسیده است و نمیداند باید چه بکند، از طرفی اصرار دارد قانون را به ثبت برساند و از طرفی با مقاومت جامعه روبرو شده است.

امروز ۲۶ مه ۲۰۱۶ تظاهرات سراسری در فرانسه علیه طرح اصلاح کار انجام شد و دوباره کارگران و زحمتکشان جامعه اعلام کردند که همچنان میایستند و تا لغو این قانون آرام نخواهند گرفت.

با عریان شدن بحران اقتصادی در سال ۲۰۰۸ دولت سارکوزی با بن بستهای مالی و سیاسی بسیاری روبرو شد و تلاش بسیاری کرد تا با تحمیل ریاضت اقتصادی از این بحران خلاصی یابد، اما شکست خورد. درانتخابات ریاست جمهوری ۲۰۱۲ "هولاند" با وعده هائی که در مورد از بین بردن بیکاری و ایجاد کار و بالا بردن قدرت خرید میداد توانست بر مسند قدرت بنشیند ولی دیری نپائید که کشتی ریاست جمهوری وی نیز به گل نشست و اولین دولت منتخب استعفاء کرده و مانوئل والس را که بنظر میرسید که با اطمینان به پیشبرد کار میتواند کاری انجام دهد، برای تشکیل دولت جدید فراخواند. ولی این داستان پایانی نداشت و والس مجبور شد وزرای اقتصاد و کار را عوض کند و جانشینان این وزرا با دستى پر از وعده های بظاهر شیرین شروع بکار کردند، غافل از آنکه جامعه با چشمانی باز ماجرا را تعقیب میکرد.

خانم الخمری وزیر کار در فوریه ۲۰۱۶ طرح پیشنهادی قانون کار را به دولت معرفی و به مجلس ارائه کرد ولی در همان گام نخستین دانش آموزان مدارس و در پی آن دانشجویان و معلمان و سندیکاهای کارگری دست از درس و کار کشیده و خواهان لغو فوری این طرح که در حقیقت تحمیل قوانین ریاضت اقتصادی بر جامعه بود شدند.

در این طرح مطرح است که دست صاحبان کار را باز بگذارند که در هر شرایطی که تشخیص میدهند، استخدامی ها را اخراج کنند بدون اینکه پاسخگوی کسی باشند. و یا اینکه محتوای قراردادها و همچنین ساعات و حقوق اضافه کاری را صاحبان کار تشخیص داده و تعیین کنند. طبق این طرح



النهضة تونس اسلام سیاسی را کنار گذاشت

کاظم نیکخواه



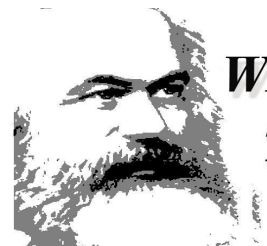
راشد غنوشی رهبر حزب اسلامی النهضة تونس در مصاحبه ای با روزنامه لوموند یک چرخش اساسی در جهت گیری حزب اسلامی النهضة را اعلام کرد. او اعلام کرد که حزب النهضة به اسلام سیاسی پشت میکند و دیگر با آن موافق نیست. او دلیل این چرخش را اینگونه بیان کرد که "از هنگام انقلاب تونس در سال ۲۰۱۱ میلادی، اسلام سیاسی توجیه و فلسفه وجودی خود را در جامعه تونس از دست داده است" زیرا جامعه به درجه ای دموکراسی و تعادل رسیده و نیازی به اسلام سیاسی نیست. غنوشی میگوید "مسجد نمی تواند محل فعالیت سیاسی باشد. مسجد جایی است که مردم از آن استفاده میکنند و هیچ دلیل و هدفی نمیتواند این موضوع را توجیه کند که این محل برای فعالیت های سیاسی مورد استفاده یک حزب خاص قرار بگیرد. خواست ما اینست که یک "امام" در جامعه رهبری سیاسی نداشته باشد و عضو هیچ حزب سیاسی نباشد" عقب نشینی علنی و رسمی غنوشی و حزب النهضة از اسلام سیاسی یک رویداد مهم و سمبلیک است. این حرکت نشان میدهد که النهضة با حسابگری و سنجیدگی سیاسی، روح زمانه را بیش از همپالنگی های اسلامیش در کشورهای دیگر منطقه درک کرده است. اعتراف النهضة در مورد ناکارآمد بودن اسلام سیاسی منحصر به تونس نیست. دوره یکه تازی این جریان

کثیف ارتجاعی تمام شده است و باید بند و بساط نحس خود را در همه جا جمع کند. البته عقب نشینی غنوشی و النهضة نیز یک شبه و بدون پرداخت هزینه صورت نگرفته است. بد نیست در یک نگاه اوضاعی را که به این عقب نشینی انجامیده است یادآوری کنیم. سازمان اسلامی النهضة یک جریان اپوزیسیون قدیمی تونس است اما در انقلاب سال ۲۰۱۱ تونس که دیکتاتوری بن علی را به زیر کشید جایی نداشت و نقشی ایفا نکرد. این جریان بعد از انقلاب تلاش کرد از فضای سرنگونی بن علی که بنام یک دولت سکولارست جامعه را سرکوب میکرد استفاده کند و قوانین اسلامی را بر جامعه تونس حاکم کند. در انتخابات اواخر سال ۲۰۱۱ در تونس حزب النهضة در ائتلافی با حزب کنگره جمهوری بعنوان برنده انتخابات به حکومت رسید و تلاش کرد که قانون اساسی را بر اساس روایات اسلامی و قرآن تغییر دهد. این تلاش النهضة تحت رهبری غنوشی با مقاومت و مقابله جدی مردم تونس و جناح چپ و سکولار جامعه تونس مواجه شد. در فضای اعتراضات و مبارزاتی که جامعه تونس را فراگرفته بود در سال ۲۰۱۳ به فاصله شش ماه دوتن از رهبران اصلی و شناخته شده و مهم چپ یعنی شکر بالعید و محمد براهمی توسط اسلامی ها ترور شدند. شکر بالعید در ماه فوریه ۲۰۱۳ ترور شد و محمد

براهمی در ماه ژوئیه. هردو از رهبران جناح چپ و سکولار و جبهه اتحاد مردمی بودند. با این ترورها میلیونها نفر از کارگران و مردم تونس به خشم آمدند و به خیابان ریختند و این ترورها را توطئه النهضة اعلام کردند و مبارزه و اعتراض و تظاهرات به اوج خود رسید. مردم با صدای رسا و میلیونی خواهان کنار رفتن النهضة از حکومت شدند. در این اوضاع غنوشی و النهضة راهی جز عقب نشینی در برابر خود نداشت و حکومت ائتلافیش خیلی زود از هم پاشید و عقب نشست.

در ادامه این فضای رادیکال و کارگری و چپ و تحولات بعدی است که امروز حزب النهضة اعلام میکند که از اسلام سیاسی دست شسته است. این جریان میتواند با این عقب نشینی در عرصه سیاسی تونس خود را ننگه دارد. اما قطعا برای تبدیل شدن به یک جریان مطرح و جدی ناچار است از تئمه اسلام خود نیز دست بشوید.

بهرور این حرکت النهضة را تا همینجا باید به فال نیک گرفت. اگر همه اسلامی ها همینقدر درایت داشتند قطعا مسیر رسیدن به جامعه ای انسانی و آزاد و مدرن هموار تر بود. اما این مسیری است که با مشاهده روندهای سیاسی کنونی با اطمینانی بالا میتوان گفت که به این شکل یا شکلی دیگر در منطقه طی خواهد شد.



**WE STILL NEED MARX
TO CHANGE THE WORLD**

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-Communist Party of Iran
www.wpiran.org

کارگران حکومت شلاق را به زیر خواهند کشید!

در اقدامی جنایتکارانه، جمهوری اسلامی ۱۷ کارگر را شلاق زد!

دستگاه قضایی جمهوری اسلامی در اقدامی گستاخانه و وحشیانه برای ۱۷ کارگر معدن طلای "آق دره" تکاب در استان آذربایجان غربی حکم شلاق صادر کرد و این احکام در روزهای گذشته اجرا شد. جرم کارگران اعتراض به اخراج آنها است؛ شاکیان کارفرمای مفتخور شرکت پویا زرکان، پیمانکار اصلی معدن و مزدوران حراستی هستند؛ صادر کننده حکم نیز دستگاه جنایت قضایی حکومت بر اساس قوانین قصاص حکومت اسلامی است.

اعتراض کارگران به دیمه سال ۹۳ برمیگردد زمانی که ۳۵۰ کارگر معدن با پایان یافتن قرارداد کاری اخراج میشوند و روز شش دیمه دست به تجمع اعتراضی گسترده میزنند. ماموران حراست به کارگران حمله میکنند. یکی از کارگران بدلیل بیکاری و برخورد توهین آمیز حراستی ها همان شب دست به خودکشی میزند. کارفرمای بیرحم و مفتخور و حراستی های مزدور علیه ۱۷ نفر از کارگران شکایت میکنند و دستگاه قضایی حکومت، طبق معمول جانب کارفرما را میگیرد و کارگران را به جرم اغتشاش و "توهین به نگهبان شرکت"، "تخریب تابلوی شرکت" به ۳۰ تا ۱۰۰ ضربه شلاق و زندان و جزای نقدی و زندان محکوم میکند. حکم زندان کارگران با گذشت؛ شاکی بخشیده میشود و جزای نقدی و شلاق اجرا میشود.

همین یک نمونه برخورد با کارگران توسط حکومت کثیف اسلامی برای حکم سرنگونی آن توسط کارگران و مردم کافی است. کارگر به زندگی زیر خط فقر محکوم شده است. حق

اعتراض ندارد و حتی وقتی به حکم اخراج خود اعتراض میکند با شلاق مواجه میشود. این اقدام به تنهایی هم ماهیت جنایتکارانه جمهوری اسلامی و سیستم قضایی و قوانین قصاص و نظام سرمایه داری حاکم بر این کشور را در معرض دید همگان میگذارد و هم ماهیت ارتجاعی اصلاح طلبان حکومت را بیشتر عیان میکند. در این سیستم، کارفرما و حراستی هایی که عامل مستقیم خودکشی کارگر این معدن شدند مجرم نیستند. کارگری که اعتراض میکند مجرم است. در این سیستم، قانونی که به کارفرما حق میدهد دستمزد یک چهارم خط فقر به کارگر بدهد محترم است اما اعتراض به کارفرما و اخراج و دستمزدهای زیر خط فقر جرم محسوب میشود. در یک کلام کارگر معترض به جهنمی که به او تحمیل کرده اند همیشه مجرم است و کارفرما و جیره خواران حراستی شاکی هستند و با اتکا به قوانین حکومت کارگر را به دادگاه میکشانند.

کل این نظام و سیستم قضایی و بردگی سرمایه داری را باید در هم کوبید. کل این حکومت با تمام دم و دستگاه سرکوش باید به زیر کشیده شود. کل این حکومت و قوانین متحجرانه و قرون وسطایی اش باید به گور سپرده شود.

این اقدام جنایتکارانه حکومت باید با اعتراض قاطعانه کارگران و تشکلهای کارگری در سراسر کشور و با اعتراض سازمان های کارگری و افکار عمومی در سراسر جهان پاسخ بگیرد.

حزب کمونیست کارگری ایران
۵ خرداد ۱۳۹۵، ۲۵ مه ۲۰۱۶

دست مذهب از زندگی مردم کوتاه

پرونده دزدی ها کی علنی میشود؟

"نمی توانیم پرونده دزدیها در بنیاد شهید را علنی نکنیم"
نماینده مجلس اسلامی

پرونده سایر دزدیها را چطور؟ پرونده سپاه و بسیج و وزارت نفت و بانکها و امام جمعه ها و بیت رهبری و بیت رفسنجانی و آستان دزد رضوی و غیره و غیره را چطور؟ میلیارد میلیارد دزدیده اند و جز چند تن از پادوهایشان اسم کسی را علنی نکرده اند. در همین هفته یک نماینده دیگر مجلس سؤال کرده است: "۱۲ هزار میلیارد تومان سپرده مردم در موسسه ثامن الحجج کجا رفت؟" کسی جوابی به این سؤال نداده است اما آیا بجز جیب گشاد آیت الله ها مقصد دیگری برای این ۱۲ هزار میلیارد تومان میتوان تصور کرد؟

مذهب در همه جوامع و در تمام طول تاریخ یک دکان و کسب و کار پر رونق برای "روحانیون" بوده است. با روی کار آمدن جمهوری اسلامی این کسب و کار در ایران به اوج رونق خود رسید. روزی نیست که خبر ملاخور شدن ارقام نجومی از اموال جامعه رو نمائی نشود و با اینهمه هنوز کسی نام این دزدان را نمیداند. میگویند ۱۲ هزار میلیارد اینجا و بیست هزار آنجا و صد هزار در فلان بنیاد و بانک و وزارتخانه "گم شده" است اما نمیتوانند پرونده ها را علنی کنند. نام دزدها بجز چند پادو و عوامل جزء پنهان نگاهداشته میشود. وقتی دولت و بنیادها و نهادها و منابع ثروت جامعه دست دزدها باشد نتیجه بهتر از این نمیشود.

وقاحت یک خصیصه چنین نظامی است. اگر یک صدم دزدیهائی که هر روز در ایران رو میشود در هر کشور دیگری اتفاق می افتاد یکشنبه دولت مربوطه مجبور به استعفا میشد، اما اینان علنا میدزدند و می چاچند و میلیارد میلیارد پول غیب میکنند و بروی مبارک نمی آورند! نه شاکتی خصوصی و عمومی ای در کار است و نه قانون و تعقیب و محاکمه ای. این دستگاه غارت و جنایت را باید درهم کوفت. محاکمه این غارتگران در داگاههای علنی اولین اقدام مردم ایران در فردای بزیر کشیده شدن جمهوری اسلامی خواهد بود.

تهران: بدترین و بهترین!

به گزارش موسسه "مرسر" که یک بنیاد جهانی است و هر ساله فهرست بدترین و بهترین شهرهای جهان را منتشر میکند تهران در ردیف بدترین ها در مقام ۲۸ام قرار گرفته است! یعنی ۲۸امین شهر از ته لیست! این رده بندی بر مبنای شاخصهائی نظیر فضای اجتماعی، فضای بهداشتی، محیط زیست، فضای آموزشی، فضای اقتصادی، خدمات عمومی، مسکن، و غیره صورت گرفته است. اما در مورد تهران مهمترین شاخص درجه دخالت مذهب در دولت و قوانین و زندگی اجتماعی و خصوصی مردم است. اسلامی بودن حکومت ریشه همه مسائلی است که از نظر اجتماعی و فرهنگی و تفریحی و اقتصادی و غیره نه تنها تهران بلکه کل جامعه ایران را در انتهای لیست قرار داده است.

مهمترین شاخص در ارزیابی کیفیت زندگی در شهرها و کشورها، بخصوص در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا، باید سکولاریسم و مذهب زدائی از جامعه باشد. سلطه مذهب در ارزیابی دولتها و نهادهای بین المللی جائی ندارد ولی بطور عینی و از نقطه نظر مردم ایران خلاصی از سلطه مذهب و حکومت مذهبی اولین قدم در بهبود کیفیت زندگی و صعود به لیست بهترین ها است. اگر شاخص رویگردانی مردم از مذهب را ملاک قرار بدهیم، تهران هم اکنون در صدر لیست قرار دارد.

یادداشت های هفته

حمید تقوایی

کارگران و قصاص!

در قانون کار است از ۲۷ سال پیش در قانون کار ایران اعمال شده است ... تجمع، اعتصاب، راهپیمایی و ایجاد تشکلهای صنفی به عنوان حقوق بنیادین کارگران و معلمان در ایران به خشن ترین و گسترده ترین شکلی پایمال و نماینده ها و فعالین آنها به زندانهای طویل المدت از ۵ تا ۱۴ سال محکوم میشوند ...

باید اضافه کرد که آیا میدانید کارگران در ایران به جرم دفاع از بدیهی ترین حقوق خود به مجازاتهای قرون وسطانی و جنایتکارانه ای نظیر شلاق محکوم میشوند؟ جمهوری اسلامی توحش سیستم قضائی اسلامی را با توحش سرمایه داری در آمیخته است. نفس به شلاق کشیدن کارگران، به هر جرم و با هر پرونده ای که برایشان سرهم کرده باشند، یک جنایت آشکار است. این اقدام جنایتکارانه حکومت باید با اعتراض جهانی اتحادیه ها و تشکلهای کارگری پاسخ بگیرد.

یک خواست مهمی که بیانیه عظیم زاده - عبیدی مطرح کرد و مورد حمایت دیگر فعالین و نهادهای کارگران و معلمان و بخش های دیگر جامعه قرار گرفت حذف اتهام " اقدام علیه امنیّت کشور" از پرونده زندانیان سیاسی بود. اکنون وقت آنست که پرچم حذف قصاص و مجازاتهای اسلامی از سیستم قضائی کشور را نیز بر افراشت. ضربات شلاق بر بدن کارگران معدن آق دره " آخرین واقعه تکانه دهنده ای است که بیش از پیش بر ضرورت این امر تاکید میکند.

نگهبانی مواجه میشوند که یکی از کارگران دست به خودکشی میزند و بعد دستگاه قضائی جمهوری اسلامی بر اساس شکایت شرکت کارفرما آنان را دستگیر میکنند و به شلاق میکشد! باید با تمام قوا با این بی شرمی مقابله کرد.

در هیچ جای دنیا کارفرماها و دولتشان چنین عیان و وقیحانه بروی کارگران تیغ نمی کشند. این ویژگی خاص حکومت اسلامی سرمایه در ایران است. اما این تنها خصوصیت جامعه ایران نیست. کارگران به این وضعیت تن نداده اند. ویژگی دیگر جامعه ایران اعتراضات پیوسته و گسترده کارگران است که از بدو بقدرت رسیدن حکومت اسلامی سرمایه داران بی وقفه ادامه داشته است. آخرین برآمد این تقابل کمپ کار و سرمایه حرکت حق طلبانه و همبسته ای است که با انتشار بیانیه مشترک عظیم زاده و عبیدی در دفاع از حقوق پایه ای کارگران، معلمان و زندانیان سیاسی آغاز شده است. جعفر عظیم زاده در پاسخ به نامه حمایت آمیز سندیکاهای کارگری فرانسه از این حرکت می نویسد:

" آیا میدانید که ما کارگران ایران بدلیل محرومیت از بدیهی ترین و ابتدایی ترین حقوق صنفی و اجتماعی خود و سرکوب شدید، حتی یک بار و برای دقایقی نیز نمیتوانیم همچون شما دست به اعتراضات و اعتصابات سراسری و خیابانی بزنیم؟ و آیا میدانید که تغییرات ضد کارگری که هم اکنون دولت فرانسه در صدد اعمال آنها

در اخبار بود که ۱۷ کارگر معدن طلای آق دره" در آذربایجان غربی به جرم "ایجاد اغتشاش" علاوه بر جریمه نقدی به ۳ تا ۱۰ سال ضربه شلاق محکوم شده و حکم در مورد آنها اجرا شده است. این کارگران در دی ماه سال ۹۳ به شکایت کارفرما تحت تعقیب قرار گرفته بودند. "جرم" آنان نیز اعتراض به اخراج از کار بوده است. سایت ایلنا علت بازداشت و "جرم" این کارگران را اینطور توضیح میدهد:

"دی ماه سال ۹۳ شرکت پویا زرکان به عنوان پیمانکار اصلی معدن طلای آق دره ۳۵۰ نفر از کارگران فصلی این معدن را به دلیل تمام شدن مدت قرارداد کاریشان تعدیل کرد. در اعتراض به این اقدام کارفرما، تجمع گسترده ای از سوی کارگران اخراجی در مقابل نگهبانی معدن صورت گرفت که در نتیجه برخورد عوامل نگهبانی با معترضین، حوالی ساعت ۸ شب روز ششم دی ماه سال ۹۳ یکی از کارگران که تحت فشار روحی وارده شده قرار داشت در اعتراض به از دست دادن شغلش اقدام به خودکشی کرد. در آن زمان دستگاه قضائی با شکایت کارفرما به اتهام ایجاد اغتشاش علیه حدود ۱۷ نفر از کارگران اعلام جرم کرد."

همین گزارش مختصر برای محکومیت جمهوری اسلامی و دستگاه قضائی اش در هر دادگاه و مرجعی که بویی از عدالت برده باشد کافی است. کارگران به اخراج و بیکار شدن خود اعتراض میکنند، با چنان "برخوردی" از جانب عوامل

به حزب کمونیست کارگری ایران بپیوندید

پیامدهای سیاسی و نظامی کشته شدن رهبر طالبان

سیامک بهاری



بیمها و امیدها

ملا اختر منصور رهبر طالبان افغانستان کشته شد. مرگ او به بیمها و امیدهای متفاوتی دامن زده است.

برای میلیونها مردم مصیبت دیده افغانستان او چیزی بیشتر از یک جنایتکار وحشی بیرحم در صحرای یک سازمان تروریستی اسلامی نبود و نیست! کابوس هولناک بی پایانی به نام طالبان، با جنگ، کشتار و خونریزی و اعمال خشن‌ترین مناسبات مذهبی، هیولایی علیه مدنیت و انسانیت!

امید به اینکه با مرگ او این نیروی ارتجاعی فوق خشن ضعیفتر گردد، انسجام درونی اش را بیشتر از پیش از دست بدهد و تن زخم خورده جامعه مصیبت زده افغانستان از چنگال خونینش رهایی یابد.

و بیم از اینکه داعش در این میانه قدرت بیشتری بگیرد و با تشدید سربازگیری از میان صفوف طالبان زندگی را بیش از این بر مردم افغانستان و منطقه جهنم کند. تنظیم‌های جهادی میدان را بیشتر از پیش از آن خود کنند و جامعه همچنان در محاق قدرت ارتجاعی آنها باقی بماند.

ملا اختر منصور، وزیر هوانوردی حکومت طالبان، یکی از نزدیکان و معتملمین ملا عمر بود. پس از مرگ مشکوک ملا عمر، رقبا و مدعیان جانشینی او را عقب زد و بعنوان رهبر طالبان مانند سلفش خود را امیرالمؤمنین خواند. برای

پیشگیری از گسست بیشتر بویژه در صفوف شورای رهبری طالبان، وسیع‌ترین حملات، بمب‌گذاریها و خونریزی‌ها را در دستور ماشین جنگی طالبان گذاشت. از حساس‌ترین نقاط استراتژیک امنیتی در کابل تا دوردست‌ترین مناطق را آماج حملات تروریستی و بیرحمانه طالبان کرد. با سقوط شهر کندوز و تصرف چند باره آن موقعیت تهاجمی طالبان را تقویت کرد. او که پیش از این، یکی از معاونین اصلی ملا عمر محسوب می‌شد و رهبری در سایه طالبان را در دست داشت در خلاء رهبری کارسماتیک ملا عمر با حضور داعش از یکطرف و تغییر توازن قوا و استرژری دول منطقه روبرو بود.

تأسیس علنی و رسمی دفتر نمایندگی طالبان در قطر و ایجاد مرکزی برای حضور آشکار سیاسی و مرادوات دیپلماتیک نمایندگان دفتر سیاسی طالبان بخشی از استرژری کلان طالبان برای تثبیت موقعیت طالبان بویژه برای آنچه که مذاکرات صلح خوانده می‌شد و بخشی از سیاست راهبردی ملا اختر منصور بود.

تغییر تناسب قوای سیاسی و امنیتی بویژه رقابت داعش در منطقه و سربازگیری مداوم از میان صفوف طالبان و درگیری آشکار درونی، موجب تغییر رابطه طالبان و جمهوری اسلامی ایران گردید.

حضور نیروهای نظامی و

امنیتی آمریکا بهترین مستمسک برای نزدیکی استراتژیک این دو دشمن و رقیب سابق گردید. ملا اختر با حفظ و تقویت رابطه با سپاه قس جمهوری اسلامی ایران بویژه در منطقه بلوچستان بخشی از مشکلات آموزش نظامی، مالی و لجستیکی طالبان را که با از دست دادن پشت جبهه‌های سنتی خود در مناطق وزیرستان پاکستان لطمه دیده بود جبران کرد.

با ادامه سیاست استراتژیک تحت فشار گذاشتن دستگاه حکومتی افغانستان، آنها را مجبور به پذیرش سهم‌خواهی در قدرت سیاسی و شرکت دادن رسمی طالبان در اعمال قدرت سیاسی کرد. ضعف و ناتوانی و عدم عزم جدی حکومت مرکزی برای روبرویی با طالبان، آنان را از یک جریان تروریستی خطرناک به "برادران ناراضی" ارتقاء داد و پروسه محرمانه به اصطلاح صلح حکومتی رفته رفته به یک پروسه آشکار سیاست حکومتی بدل گردید.

طالبان در مواجهه با رقبای خود عقب‌نشست‌شده اما رویگردانی جامعه از مناسبات عقب مانده و گسترش مطالبات سکولاریستی و بویژه حضور شجاعانه زنان در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی به بزرگترین مانع گسترش نفوذ اجتماعی طالبان بدل گردید.

سایبان سیاسی تروریسم

در منطقه

چگونگی مرگ ملا اختر منصور رهبر طالبان نمونه‌ای روشن و گواهی بی‌تردید بر دخالت بیوقه دولتهای منطقه در جنگ افروزی و سرپا نگهداشتن انواع جنایتکاران و تروریستهای رنگارنگ علیه مردم مصیبت دیده است.

بن لادن رهبر کارسماتیک القاعده سالها تحت حمایت و زیر و بال و پر سازمان امنیتی پاکستان در "آیت آباد" در جوار یک پایگاه نظامی زندگی کرد. فرزندانش تحت حمایت و زیر سایه جمهوری اسلامی ایران بسر بردند.

ملا عمر رهبر طالبان سالهای متمادی چه پیش از بقدرت رسیدن و چه پس از سقوط حکومتش در کوئته پاکستان در جوار شبکه مخوف حقانی و شرکا، و در مناطق وزیرستان شمالی و جنوبی تحت حمایت بی دریغ دستگاه امنیتی پاکستان به جمع آوری نیرو و گسترش عملیات تروریستی ادامه داد.

ملا اختر هم به روال اسلافش با استفاده از امکانات وسیع امنیتی و نظامی، زندگی میلیونها مردم را در گردابی از خون و جنون فرو برد. به پاس خدمات بیدریغش، حامیانش در قطر دفتر سیاسی طالبان را رسمیت دادند.

ملا اختر این جنایتکار جنگی با سابقه، رهبر یکی از مخوفترین سازمانهای اسلامی تروریستی، بازوی مسلح اسلام سیاسی، آزادانه با پاسپورت معتبر پاکستانی از فرودگاه اسلام‌آباد به جمهوری اسلامی ایران سفر می‌کند. پس از بند و بست و جوش دادن معاملات تروریستی دچار تیر غیب حریفی دیگر می‌گردد.

این دایره نفرت و سایه بان خشونت است که انواع درندگان

تروریست را پرورش می‌دهد. آئینه تمام‌نمایی از سیاستهای کشف و ضد و بشری دولتهای منطقه علیه منافع اکثریت مردم منطقه.

سناریوی مرگ او هر چه باشد و به هر شکل که تدارک دیده شده باشد، برای مردمی که اختاپوس جنگ بیش از سه دهه زندگی شان را به باد داده است، جذباتی ندارد. ادامه سناریوی درگیری رقبای قدرت در منطقه است. تکرار ملال آور بکارگیری و قربانی کردن مهرهای دست ساز دستگاههای امنیتی است.

همه جریانانات سیاسی ارتجاعی فعال در منطقه تحت عنوان نهاد چهارجانبه صلح برای به پای مذاکره کشاندن طالبان در تلاشند. نیروهایی که اساسا خود یا مستقیما در ایجاد و تقویت و رشد طالبان دست داشته اند و یا غیرمستقیم از حضور این نیروی سیاسی نفع سیاسی برده‌اند، در پی اهلی کردن جانور دست ساز خود هستند.

در این میان تنها یک نیرو با دست خالی و بی هیچ پشتیبان دولتی و حکومتی، بدون ذرای تردید برای عقب راندن کل ماشین ارتجاعی صفوف خود را فشرده می‌کند. نیرویی که نه سهمی در تولد غولهای ارتجاعی منطقه داشته است و نه منفعتی در حفظ رابطه با آنها.

برای این نیرو و جنبش مترقی، طالبان با ملا اختر منصور و یا بدون آن، یک نیروی فوق ارتجاعی جنایتکار است که باید از میان برداشته شود.

جامعه افغانستان به مدد این جبهه، دارد عرصه را بر هر نیروی ارتجاعی تنگ می‌کند. این غولی است که طالبان و شرکای مرتجع محلی و بین المللی اش را در شیشه خواهد کرد.

تلویزیون کانال جدید در GLWIZ نیز قابل دریافت است.

برای دریافت برنامه از طریق جی ال وایز به آدرس زیر مراجعه کنید:

Negah E Shom
<http://www.glwiz.com/>
 زیر مجموعه برنامه های فارسی

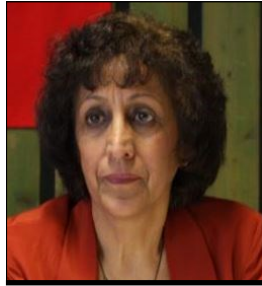
مشخصات و ساعات پخش تلویزیون کانال جدید

تلویزیون کانال جدید از شبکه "نگاه شما" در هاتبرد پخش میشود.

مشخصات "نگاه شما" به این شرح است:
 فرکانس: ۱۱۲۰۰ پولاتریزیون: عمودی
 سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰ FEC: ۵/۸

کارگران در هفته ای که گذشت

شهلا دانشفر



کارزار علیه سرکوب ها تحت عنوان آخال در نظم امنیت ملی کشور و گسترش دامنه و ابعاد اجتماعی آن، همچنان موضوع برجسته و مهم در جنبش اعتراضی کارگران و معلمان در هفته گذشته بود. همچنین با توجه به در پیش بودن برگزاری اجلاس سالانه سازمان جهانی کار، آی ال او، تدارک برای برپایی آکسیونهای اعتراض در مقابل این اجلاس با خواست اخراج جمهوری اسلامی از سازمان جهانی کار و در همین رابطه نامه کنفدراسیون اتحادیه های کارگری در سراسر جهان (آی تی یو سی) و نامه بهنام ابراهیم زاده از چهره های شناخته شده کارگری از زندان رجایی شهر به گای رایبر دبیر کل سازمان جهانی کار از اتفاقات مهم دیگر این هفته است. در عین حال اعتراضات کارگران همچنان گسترده در جریان است و از جمله یک هفته اعتراض پی در پی کارگران پیمانکاری کارخانه آهن و فولاد ارفع اردکان برای حذف شرکت های پیمانکاری و عقد قرارداد مستقیم، تجمع اعتراضی کارگران پتروشیمی ماهشهر مقابل بیمارستان صنایع پتروشیمی در اعتراض به واگذاری آن به بخش خصوصی و وخیم شدن وضع درمانی آنان، تجمعات اعتراضی مسئولی کارگران شرکت گاما و فاز ۱۴ عسلویه بخاطر دستمزدهای پرداخت نشده، تجمعات اعتراضی کارگران پارسیلون بخاطر تعویق پرداخت دستمزدهایشان، تجمع اعتراضی تعدادی از فرهنگیان بازنشسته برای پیگیری خواستههایشان در مقابل دیوان محاسبات کشور و اعتصاب کارگران شهرداری جیرفت در اعتراض به عدم پرداخت مزدشان از جمله سرتیتر های مهم اخبار اعتراضات کارگری در هفته گذشته است. اعتراضات کارگری هر روزه و گسترده است. دستمزدهای معوقه تا اخراج ها و نوع قراردادهای نازل بودن سطح

دستمزدها، و اساسا دفاع از زندگی و معیشت محورهای اصلی آنهاست. ابعاد گسترده و تعرضی این اعتراضات بطور واقعی فضای شهرها را تحت تاثیر خود قرار داده و محیط های کارگری را به کانون های داغ اعتراض در شهرهای مختلف تبدیل کرده است.

نگاهی می انالیزیم به آخرین خبرها از کارزار علیه سرکوب ها تحت عنوان آخال در نظم امنیت ملی کشور و وضعیت جعفر عظیم زاده از رهبران این کارزار و نیز تدارک برای اعتراض به حضور هیات جمهوری اسلامی در سازمان جهانی کار، آی ال او.

آخرین اخبار از کارزار علیه سرکوب ها تحت عنوان آخال در نظم امنیت ملی کشور

هفته گذشته نقطه اوج دیگری در حرکت به پیش این کارزار بود. آزادی اسماعیل عبدی، محمود بهشتی، و رسول بلاغی از رهبران کانون صنفی معلمان فضای پرشوری در بیرون از زندان پیا کرده است و معلمان جشن آزادی همکارانشان را اعلام میکنند. ضمن اینکه تأکیدات بر لغو پرونده های مفتوحه برای آنان است. اسماعیل عبدی نیز بعد از آزادی از زندان بر خواسته های بیانیه مشترکی که با جعفر عظیم زاده از زندان علیه سرکوب ها و تحت عنوان آخال در نظم امنیت ملی کشور دادند، و هم اکنون به کارزاری تبدیل شده است، تأکید گذاشته و در نتیجه گفتمان ها بر سر لغو پرونده های تشکیل شده برای معلمان و کارگران زندانی داغ است. این فضا را در طومارهای اعتراضی ای که در حمایت از جعفر عظیم زاده در این هفته به راه افتاد به روشنی دیدیم. جعفر عظیم زاده از رهبران این کارزار مهم سیاسی و از چهره های شناخته شده کارگری همچنان در زندان است. او که به اتفاق اسماعیل عبدی اعتراض خود را با اعلام اعتصاب غذا از روز دهم اردیبهشت آغاز کرد، همچنان در زندان است. او به

اعتصاب غذای خود ادامه داده و وضعیت جسمانی اش نگران کننده است.

رژیم اسلامی در قبال جان جعفر عظیم زاده مسئول است، خواسته های او برحق و خواست همه کارگران معلمان و کل مردم است و باید فوراً پاسخ گیرد. جعفر عظیم زاده باید فوراً آزاد شود.

در رابطه با وضعیت جعفر عظیم زاده و در دفاع از خواسته های برحقش در این هفته شاهد به راه افتادن طوماری اعتراضی بودیم. این طومار را بیش از سه هزار و پانصد نفر از کارگران، معلمان و مردم معترض با اسم و رسمشان امضا کردند و در همین هفته این طومار تحویل کمیسیون اصل ۹۰ مجلس داده شد. در نامه همراه آن اتمام حجت شد که اگر چنانچه قوه قضائیه همچنان نسبت به تحقق خواست جعفر عظیم زاده مقاومت نماید، اقدامات مؤثرتری در دستور کار خود قرار خواهند داد. در بخشی از طومار اعتراضی ارائه شده به کمیسیون اصل ۹۰، ضمن اشاره به محرومیت کارگران و همه مزد بگیران جامعه از ابتدایی ترین حقوق معیشتی و اجتماعی و سرکوبگری های حکومت و اشاره به وضعیت جسمی نگران کننده جعفر عظیم زاده چنین آمده است:

"خواست جعفر عظیم زاده حذف اتهام اقدام علیه امنیت ملی" از پرونده های فعالین صنفی و اجتماعی است. این خواست است که به همه کارگران و معلمان و مزدبگیران مربوط می باشد. در نتیجه ما امضا کنندگان این طومار ضمن تأکید بر تحقق خواست حذف اتهامات امنیتی از همه پرونده های فعالین صنفی و اجتماعی، خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط جعفر عظیم زاده هستیم." حمایت از کارزار اعلام شده از سوی جعفر عظیم زاده و اسماعیل عبدی ادامه دارد. در ادامه موج حمایت هایی که شده، در این

هفته کارگران پتروشیمی پلمیر کرمانشاه طی بیانیه ای حمایت خود را از این کارزار اعلام داشتند.

۵ اتحادیه کارگری در فرانسه نیز قبلاً با ارسال نامه ای خطاب به جعفر عظیم زاده با تأکید بر خواسته های وی، نسبت به وضعیت او ابراز نگرانی کرده و خواستار پایان دادن به اعتصاب غذایی شده بودند. در این هفته جعفر عظیم زاده با پاسخ به نامه صمیمانه آنها همبستگی خود را با مبارزات کارگران و مردم فرانسه علیه تغییرات در قانون کار که تعرضی به زندگی و معیشت آنان است، اعلام داشت.

کارزار علیه سرکوب ها تحت عنوان آخال در نظم امنیت ملی کشور هر روز قویتر شده و تداوم دارد. این کارزار بطور واقعی یک اتفاق سیاسی مهم در مبارزات کارگران، معلمان و کل جامعه است. معنای واقعی اش دفاع از حق تشکل، حق اعتصاب، حق تجمع و آزادی های اولیه سیاسی در سطح جامعه است. این کارزاری اجتماعی است و پیروزی آن یک پیشروی بزرگ برای کارگران، معلمان و کل جامعه است. یک گام فوری برای موفقیت این کارزار حمایت از جعفر عظیم زاده و خواسته های وی و آزادی فوری اوست. وضعیت جعفر اضطراری است، با حمایت وسیع خود و اطمینان دادن از تداوم این کارزار، فشار را از روی جعفر عظیم زاده برداریم و بخواهیم که به اعتصاب غذایی خاتمه دهد.

اعتراض به حضور رژیم اسلامی به عضویت در سازمان جهانی کار

یک موضوع اعتراض هر ساله کارگران در ایران، اعتراض علیه حضور هیات جمهوری اسلامی در اجلاس سازمان جهانی کار است و آثرا بارها و بارها در بیانیه هایشان اعلام داشته اند. امسال در فضای پر کشاکش تری، شاهد این اعتراضات هستیم. حزب کمونیست کارگری ایران نیز هر ساله با حضور خود در اجلاس سازمان جهانی کار، تلاش کرده است که صدای اعتراض کارگران و مردم ایران باشد. امسال نیز ما به آنجا خواهیم رفت و تلاش میکنیم تا صدای اعتراض جعفر عظیم زاده و صدای اعتراض همه کارگران، معلمان و کل جامعه باشیم.

اتحادیه آزاد کارگران ایران در

این هفته طی نامه ای خطاب به شارون بارو دبیر کل کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های کارگری، خواستار بر چیده شدن کرسی هیات دولت در اجلاس سازمان جهانی کار به عنوان اولین قدم برای رساندن صدای واقعی کارگران ایران به نهادهای بین المللی شده است. در بخشی از این نامه با اشاره به دستمزدهای زیر خط فقر و فشار روز افزون بر زندگی و معیشت کارگران و سرکوبگری های حکومت اسلامی چنین آمده است:

"دولت ایران با جا زدن نهادی متشکل از عناصر بشدت ضد کارگری بنام " مجمع عالی کارگران ایران" به جایی تشکل و نماینده واقعی کارگران قصد خاک پاشیدن به چشم ما کارگران و نهاد های جهانی را دارد و در عوض کارگران را مورد شدیدترین سرکوب و بی حقوقی ها قرار داده و نمایندگان واقعی کارگران را به زندان انداخته است و هم اکنون جعفر عظیم زاده در اعتصاب غذا به سر میرسد و سلامتی اش به شدت در معرض خطر است" و در آخر چنین میگوید: "ما از شما درخواست داریم که در اجلاس امسال OAI مبارک دیگر در گزارش خود به نقض خشونت بار حقوق کارگران در ایران و سرکوب و زندانی کردن آنها اعتراض کرده و خواهان اخراج نمایندگان غیرواقعی کارگران ایران در اجلاس شوید."

بهنام ابراهیم زاده در نامه خود به دبیر کل سازمان جهانی کار مینویسد: "من اعلام میکنم که به لیست امضاهای کارزاری که در حمایت از جعفر عظیم زاده و خواسته های او به راه افتاده می پیوندم و از همه سازمانهای کارگری، نهادهای مدافع حقوق بشر و همگان هم انتظار دارم که این کارزار پیوندید و همراه ما کارگران به حضور هیات ایران در اجلاس سازمان جهانی کار اعتراض کنید."

"کمپین برای آزادی کارگران زندانی" طی نامه ای سرگشاده به سازمان جهانی کار، اعتراض خود را به حضور جمهوری اسلامی در این سازمان و اجلاس های اعلام داشته و از همه نهادهای کارگری و انساندوست در سراسر جهان خواسته است که از این خواست که بطور واقعی خواسته همه کارگران و مردم ایران است، پشتیبانی کنند.

فراخوان به تظاهرات در حمایت از کارگران و زندانیان سیاسی در ایران



نسان نودینیان

راه حل های عملی مبارزه علیه بیکاری

۷۰۰ هزار تحصیل کرده بیکار“ آماري تکمان دهنده است. بیکاری میلیونی و اخراج سازی های هزاران نفری ستم طبقاتی و نابرابری اجتماعی را در خانواده های کارگر و زحمتکش به معضلی روزانه تبدیل کرده است. در شهر و روستاهای کردستان چالش اصلی اقتصاد مسئله معیشت مردم است. سفره های مردم کم رونق شده و بر میزان خانواده های فقیر و نادر هر روز افزوده میشود. روی آوری و توسل به کار در مرزها و کولبری رو به افزایش است. کار کولبری فرصت شغلی نیست. ریسک مرگ و زندگی برای امرار معاش ناچیز است. یکی از راه حل های دولتها برای کاهش بیکاری امکان سازی برای دسترسی به فرصت های شغلی مناسب است. نظام آموزشی ایران فاقد ویژگی کاربردی و بالابردن مهارت های فنی دانش آموختگان است. در شهرهای کردستان به این عرصه از آموزش و بالا بردن مهارتهای شغلی با دریافت حقوق و مزایای شغلی توجهی نمیشود. کارنامه جمهوری اسلامی در این رابطه صفر است.

راه حل عملی مبارزه علیه بیکاری را باید ساده و عملی دید. بیکاری و عدم امنیت شغلی و نداشتن بیمه بیکاری امر محتوم جوانان و کارگران بیکار نیست. پایان دادن بشرايط کنونی امری عملی و امکانپذیر است. شبکه جوانان تحصیل کرده و فاقد فرصت های شغلی اقتصادی عملی است. تجارب شبکه جوانان تحصیل کرده در شهرهای کردستان وجود دارد و امری تازه نیست. شبکه جوانان تحصیل کرده دارای پلانفرد مشخص مطالباتی است. ایجاد فرصت شغلی، بالابردن کاربردی مهارت های شغلی با احتساب حقوق و مزایای مکفی، بیمه بیکاری و تامین بیمه های اجتماعی.

این شبکه میتواند سریعاً از طریق میدیای اجتماعی همه گیر شود. استفاده از اینستاگرام از جمله تلگرام روش متداول فعالیت در این عرصه است. ایجاد شبکه جوانان تحصیل کرده گره اصلی سازماندهی اعتراض علیه بیکاری ده ها هزار نفر از جوانان تحصیل کرده و کارگران بیکار و اخراج شده از کار است.

مرکز آمار ایران، میزان بیکاری در استان کردستان در سال ۹۳ را ۶.۱۱ درصد اعلام کرد که بر اساس آخرین گزارش این مرکز میزان بیکاری در کردستان طی سالهای ۹۳ تا ۹۴ نه تنها کاهش پیدا نکرده که بر آن افزوده شده و نرخ بیکاری کردستان در سال ۹۴ به بیش از ۱۳ درصد افزایش یافته است. جمعیت شهرهای کردستان رو به افزایش است. جوانان نیروی اصلی مهاجر از روستاها به شهرها هستند. بخش اعظم جمعیت جوانان نیروی کار آماده بکار هستند که از داشتن فرصت های شغلی مناسب محرومند. بیکاری چالش اساسی و سراسری است! بیکاری، تورم و عدم اشتغال برای جوانان از چالش های اساسی در دولت روحانی است. یکی از چالش های اساسی که وجود ۷ تا ۸ میلیون جمعیت بیکار را در برمیگیرد که قریب به اکثریت آنان تحصیل کرده هستند. بیکاری و عدم امنیت شغلی در زندگی میلیونها نفر از مردم در ایران تاثیر گزار شده. افق دسترسی به اشتغال هر روز تاریکتر میشود. ۵ میلیون و

از روز ۳۰ مه امسال نشست سالانه سازمان جهانی کار (آی ال او) در شهر ژنو شروع میشود. جمهوری اسلامی به همراه نمایندگان ضد کارگری اش در این نشست حضور دارد. همزمان با این اجلاس در همه جا علیه جمهوری اسلامی و برای آزادی کارگران و معلمان زندانی و زندانیان سیاسی دست به اعتراض بزنیم.

روز ۶ ژوئن در ژنو مقابل مقر سازمان جهانی کار آکسیون توسط نهادهای مدافع حقوق کارگر و برخی احزاب سیاسی برگزار میشود. برنامه آکسیون در کشورهای دیگر نیز در روزهای آینده اعلام میشود.

کلیه ایرانیان مخالف جمهوری اسلامی را دعوت میکنیم در این تجمعات شرکت کنند و صدای اعتراض کارگران، معلمان و مردم ایران را به گوش جهانیان برسانند.

جمهوری اسلامی و تشکل های دست سازش باید از سازمان جهانی کار اخراج شود. کارگر زندانی، معلم زندانی و کلیه زندانیان سیاسی باید فوراً و بی قید و شرط آزاد شوند.

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران
۲۶ مه ۲۰۱۶

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری همزمان با

روز ۲۴ مه ۲۰۱۶ اتحادیه های کارگری در بسیاری از صنایع بلژیک در اعتراض به اقدامات و سیاست جدید ریاضت اقتصادی دولت دست به تظاهرات زدند. بخش عمده این اعتراضات علیه روند دستمزدها و حقوق بازنشستگی بود. تظاهرات دهها هزار نفری در بروکسل (بلژیک) با حمله پلیس به خشونت کشیده شد.



سایت حزب:
www.wpiran.org
سایت روزنه:
www.rowzane.com
سایت کانال جدید:
www.newchannel.tv
نشریه انترناسیونال:
www.anternasional.com

فراخوان اعتراض به حضور وزیر خارجه جمهوری اسلامی در کشورهای اروپایی

این فقط بخش نیست، نشان دادن راه است!

شرط بخشش مادر، ترک اعتیاد متهم به قتل و بازگشت او به زندگی

شد، رامین را از جنبه عمومی جرم به یک سال حبس تعزیری با احتساب ایام بازداشت و دو سال کار در آسایشگاه سالمندان محکوم کردند..

بدین ترتیب قرار شد رامین هفته‌ای سه روز برای خدمت به سالمندان به آسایشگاه برود.

کمیته بین المللی علیه اعدام این اقدام انسانی مادر امیر را ارج می نهد و دست او را به گرمی می فشارد. همه این اقدامات کمک میکنند که نه فقط قانون قرون وسطایی قصاص و اعدام عملاً به شکست کشانده شوند، بلکه در مقابل معضلات اجتماعی نیز این نوع اقدامات مبلغ دفاع و عملی کردن راه حل های انسانی و درست است.

کمیته بین المللی علیه اعدام
۵ خرداد ۱۳۹۵ برابر با ۲۵
مه ۲۰۱۶

در یک روز گرم درماه شهریور ۹۴ امیر که از طرف کمپ ترک اعتیاد برای انتقال رامین به مرکز ترک اعتیاد رفته بود، با ضربه های چاقو به قتل رسید. رامین دستگیر و طبق قانون حکومت اسلامی به اعدام محکوم شد.

مادر امیر در شعبه هفتم دادگاه کیفری استان تهران گفت با اعدام رامین مخالف است و یک شرط برای بخشش او دارد، ترک اعتیاد رامین. رامین که به شدت از حکم اعدام ترسیده بود، این شرط را فوراً پذیرفت.

اکنون رامین ترک اعتیاد کرده و با تایید پزشکان او معتاد نیست، مادر امیر در یک جلسه دادگاه اعلام کرد که رامین نباید اعدام شود او باید به زندگی باز گردد.

در جلسه ای که روز ۴ خرداد ماه ۱۳۹۵ در تهران برگزار

کمونیست کارگری کلیه مخالفین جمهوری اسلامی و مردم آزاده را فرامی خواند به حضور ظریف در این کشورها اعتراض کرده و ماماشات دول غربی با حکومت دزدان و قاتلان اسلامی را محکوم کنند و در برنامه های اعتراضی که در کشورهای سوئد و فنلاند در دست تدارک است شرکت کنند.

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران
۲۶ مه ۲۰۱۶

از ظریف و حکومتش که روزانه اعدام می کند، کارگر را شلاق میزند و زندانی میکند و زنان را از هر حقی محروم کرده است، یک دهن کجی آشکار به مردم ایران است.

سفر وزیر خارجه و استقبال سران کشورها و دادن تریبون به نمایندگان جمهوری اسلامی محکوم است. ظریف و همه سران جمهوری اسلامی باید به جرم شرکت در ۳۷ سال سرکوب سیستماتیک مردم دستگیر و محاکمه شوند.

تشکیلات خارج کشور حزب

بنا بر اخبار منتشر شده در رسانه های حکومتی، قرار است ظریف وزیر خارجه رژیم به کشورهای اسکاندیناوی و برخی کشورهای اروپایی سفر کند. وزارت خارجه رژیم این سفرها را "ادامه رایزنی و گفتگوهای دیپلماتیک وسخرانی" با شرکای غربی اش اعلام کرده است. سفر پنج روزه وزیر خارجه حکومت به کشورهای سوئد، فنلاند، لهستان و لتونی از هفته آینده شروع میشود.

سفر ظریف به این کشورها و استقبال رسمی دول این کشورها

توفان مدیینگ

کیوان جاوید



علم‌الهدی نماینده خامنه ای در استان خراسان رضوی: مقداری که دروازه مملکت روی غرب باز شد یک شرکت مدیینگ هم وارد کشور شده است. جریان مدیینگ در کشور ما می‌دانید به کجا خاتمه یافته است؟ مؤسسات طراحی مد و پوشش، آرایشگاه‌های زنانه حرفه‌ای و نیمه حرفه‌ای و برگزاری مراسم مدیینگ و جشنواره زن شایسته ایرانی را ایجاد کرده‌اند. آن وقت جوان امام زمانی باقی می‌ماند؟ مرد و زن و خانواده‌ای می‌ماند؟

ببینید دشمن چه می‌کند و ما در چه وضعیتی هستیم؟

شاید بهتر از علم‌الهدای کسی نتواند ماهیت زار حکومت اسلامی را توضیح بدهد. جمهوری اسلامی مثل سیبل تمرین تیراندازی برای جامعه شده است. همه دارند این حکومت را هدف می‌گیرند. از داخل ایران تا خارج از مرزها، این حکومت مورد تهاجم قرار گرفته است. تهاجم تمدن انسانی علیه یک حکومت و یک فرهنگ بغایت عقب مانده و

ضد بشری. دلیل از دست دادن انسجام و تکه پاره شدن جمهوری اسلامی همین میل به زندگی انسانی است. سلاح زیبایی علیه زشتی موجود با قدرت در حال آتشباری علیه مواضع جمهوری اسلامی است. مشکل رژیم اسلامی با باز شدن دروازه های ایران به سوی غرب این است که وقتی این دروازه باز شد مردم ایران پرچم امام زمان را پایین می‌کشند و بیرق مدیینگ را برافراشته می‌کنند. نبردی که بی وقفه ادامه دارد.

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر این شماره: سوسن صابری

مسئول فنی: سهند مطلق

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

اساس سوسیالیسم انسان است.

سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است.